



مرکز تحقیقات اسلامی

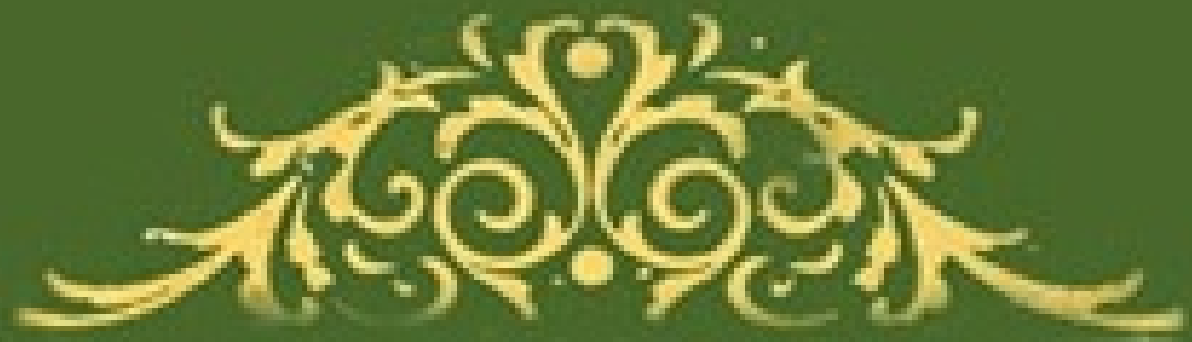
اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگانی تحلیلی

پیشوایان ما

انته دوازده گانه

عادل ادیب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی تحلیلی پیشوایان ما : قسمت مربوط به حضرت امام جواد علیه السلام

نویسنده:

عادل ادیب

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زندگانی تحلیلی پیشوایان ما : قسمت مربوط به حضرت امام جواد علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	امام محمد جواد
۷	امام و خردسالی او
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگانی تحلیلی پیشوایان ما : قسمت مربوط به حضرت امام جواد علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : ادیب، عادل

عنوان قراردادی : الائمه الاثنا عشر (ع) در اسه تحلیله. فارسی

عنوان و نام پدید آور : زندگانی تحلیلی پیشوایان ما: ائمه دوازدهگانه علیه السلام / تالیف عادل ادیب ؛ ترجمه اسدالله مبشری.

مشخصات نشر : تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.

مشخصات ظاهری : ۲۹۷ص.

شابک : ۳۷۵ریال-۸-۳۷۶-۳۰-۹۶۴ : ۵۵۰ریال (چاپ نهم) ؛ ۳۵۰ریال (چاپ پانزدهم) ؛ ۴۶۰ریال (چاپ شانزدهم) ؛ ۴۷۵ریال (چاپ هجدهم) ؛ ۲۲۵ریال (چاپ ۱۳۶۱) ؛ ۳۰۰۰۰ریال (چاپ بیستم) ؛ ۳۰۰۰۰ریال : چاپ بیست و یکم-۹۶۴-۹۷۸-۳۷۶-۰-۴۳۰ :

یادداشت : چاپ ؟ : ۱۳۶۱.

یادداشت : چاپ نهم : ۱۳۷۰.

یادداشت : چاپ سیزدهم و چهاردهم : ۱۳۷۳.

یادداشت : چاپ پانزدهم تا هجدهم : ۱۳۷۴.

یادداشت : چاپ بیستم : ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ بیست و یکم : ۱۳۸۵.

یادداشت : عنوان عطف: پیشوایان ما.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان عطف : پیشوایان ما.

موضوع : ائمه اثنا عشر

موضوع : امامت

شناسه افزوده : مبشری، اسدالله، ۱۲۸۸ - ۱۳۶۹، مترجم

شناسه افزوده : دفتر نشر فرهنگ اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۶/۵/الف۴الف۹۰۴۱/۱۳۶۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۶۶-۱۵۵

امام محمد جواد

زندگانی امام محمد جواد (ع) ادامه‌ی راه خط پدرش، امام رضا(ع) بود. مأمون به امام جواد علاقه داشت و کوشش می کرد و نقشه طرح می کرد که دل امام (ع) را به دست آورد و او را به دارالخلافه نزدیک کند. مأمون توطئه‌ی خود را برای از میان بردن جنبش و حرکت تشیع در چهارچوب خلافت عباسیان همچنان ادامه می داد و هدف او از این کار آن بود که بین امام و پایگاه‌های مردمی او فاصله ایجاد کند و امام را از مردم خویش دور سازد. او می خواست به طریقی این نقشه را اجرا کند که مردم تحریک نشوند، به

خصوص که او (ع) با کمال عزت و تکریم در کاخ‌های مأمون و ساختمان‌های مجلل او زندگانی می‌کرد. اما محافظان کاخ همه‌ی حرکات و سکنات امام (ع) را با دقت تمام زیر نظر می‌داشتند. بنا بر همان نقشه قدیمی، مأمون در برابر همه‌ی مردم در جامعه‌ی دوستدار و مخلص امام ظاهر شد و «ام فضل» دختر خود را به عقد ازدواج او درآورد تا از تأیید امام برخوردار باشد. لذا به او اصرار کرد که در همان جا زندگانی کند. اما امام (ع) اصرار ورزید که به مدینه بازگردد تا نقشه‌ی مأمون را در کسب [صفحه ۲۴۷] تأیید امام برای پایداری خلافتی که غصب کرده بود، نقش بر آب سازد. زیرا وقتی امام (ع) خلافت او را تأیید نمی‌کرد، این شبهه در دل مردم ایجاد می‌شد که حکومت او مشروعیتی ندارد. و از طرف دیگر، امام (ع) امامت خود را اثبات می‌کرد و جدا بودن طرح و برنامه‌ی خود را از طرح و برنامه‌ی حکومت روز آشکار می‌ساخت. اما اگر امام (ع) می‌پذیرفت که با مأمون و در دربار او زندگانی کند، مسأله به این طریق تلقی می‌شد که این دو خط مشی در یکدیگر ادغام شده است و این امر در نظر مردم چنین نتیجه می‌داد که هیچ تناقض و اختلافی بین این دو از جهت معالم و مسائل فکری و عقیدتی خاص که ممیز نظریه‌ی امام بود، وجود ندارد. امام جواد (ع) خط پدر بزرگوار را ادامه داد و از لحاظ برنامه‌ریزی فکری و آگاهی عقیدتی، فقیهان را از بغداد و شهرهای دیگر پیرامون خود، در مدینه فراهم آورد تا با او مناظره کنند و از او پرسند و از راهنمایی‌های او مستفیض گردند. «هنگامی که فصل حج فرا رسید، فقیهان بغداد و شهرهای دیگر و دانشمندان بلاد که هشتاد تن بودند، به حج رفتند و سپس به سوی مدینه روی آوردند تا اباجعفر را دیدار کنند.» [۱]. امام جواد (ع) برای گستردن پایگاه‌های مردمی خویش به وظایف و مسئولیت‌های خود در امر جهاد دست زد. این امر به گوش «معتصم» رسید و او را جبرا به بغداد فرا خواند تا به قتل برساند و زندگانی شریف آن امام (ع) را با خوراندن زهر به آن طریق به پایان رساند. ابن بابویه گوید: «معتصم امام (ع) را مسموم گردانید.» [۲] زیرا امام (ع) برای حکومت خطری محسوب [صفحه ۲۴۸] می‌شد و مواضع انحراف و موارد دوری حکومت را از اسلام برای مردم افشاء می‌کرد. نه تنها برای دستگاه خلافت این خطر را داشت که منزلت و برتری‌های فکری او را با توجه به کمی سن و سال او همه می‌دانستند، بلکه امام، فقها و قضات را برای مناظره و مبارزه‌ی علمی می‌طلیید و بسیار متحرک بود و امور فکری و عقیدتی مردم را بر عهده داشت (در یک مجلس سی هزار مسأله از او پرسیدند و او به همه‌ی آن‌ها پاسخ داد و در آن وقت نه سال داشت). مفید گوید: «مأمون امام جواد (ع) را دوست می‌داشت. زیرا با وجود کمی سن، شخصی فاضل بود و به درجه‌ی والا از علم رسیده بود و در ادب و حکمت و کمال عقل، مقامی داشت که هیچ یک از مشایخ زمان، با او برابری نمی‌توانست کرد.» طبری در اعلام الوری گوید: او (ع) در زمان خود با وجود اندک بودن سن و سال، به پایه‌ای از فضل و علم و حکمت و ادب رسیده بود که هیچ یک از اهل فضل به آن پایه نرسیده بود.» [۳]. سخن خویش را در باب روش و برنامه‌ی امام جواد (ع) به همین اندازه مختصر به پایان می‌رسانیم زیرا نقش او همانند نقش پدرش امام رضا (ع) بود. سخن‌ها و پرسش‌های بی‌شمار، پیرامون وی گفته شده است و درباره‌ی پدیده‌ی مرجعیت و رهبری او در حالی که بیش از هشت سال نداشت سخن بسیار است.

امام و خردسالی او

صغر سن امام (ع) از پدیده‌های اعجاز‌آمیز اوست که در حکام آن زمان اثری فوق‌العاده گذاشته بود. همه‌ی مآخذ تاریخی متفق القولند که وقتی پدر مکرم امام جواد (ع) در گذشت عمر امام هشت سال یا هفت سال و چهار [صفحه ۲۴۹] ماه بود [۴] در حقیقت هنگامی که پس از پدر عهده‌دار امامت گردید، در سن کودکی بود. این معنی نخستین بار در زندگانی پیشوایان اهل بیت (ع) در شخص امام جواد (ع) مصداق پیدا کرد و برای حکام منحرف، مایه حیرت و برای حقیقت امتداد خط امامت و مرجعیت امامان اهل بیت (ع) که امام جواد (ع) نماینده و جانشین آنان بود، سندی حتمی و معجزه‌آسا به شمار می‌رفت. اگر به حساب احتمالات تکیه کنیم، می‌بینیم که تنها صغر سن امام (ع) کافی است که حقیقت امامت وی را بپذیریم و قبول کنیم که او (ع) ادامه دهنده‌ی خط

امامت بوده است و الا چگونه می‌توان در دست گرفتن رهبری شیعه را از طرف او در همه‌ی زمینه‌های نظری و عملی تفسیر کنیم؟ شاید این معنی از ذهن بگذرد و بگویند، بسا که برای شیعیان، امامت و رهبری این نوجوان از اهل بیت، با وضوح کشف و معلوم نشده باشد و بسا که ادعائی دیگر نیز بر این فرضیه ضمیمه کنند همچنان که احمد امین گوید: «امامان از چشم‌ها پنهان می‌شدند و به دعوت پنهانی اکتفا می‌کردند تا محبت و گرایش مردم نسبت به آنان باقی بماند» [۵]. ما این فرضیه را رد می‌کنیم و می‌گوئیم: رهبری امام جواد (ع)، رهبری آشکار و علنی در برابر همه‌ی توده‌های مردم بود و هرگز رهبری امامان چنین نبود که پیرامونشان را پاسبانان محافظ، و نیروی ارتش و ابهت و جاه و جلال پادشاهان فرا گرفته باشد به طوری که رهبر، دعوت را از توده‌ی مردم که به آنان معتقد بودند و به رهبری آنان حرکت می‌کردند، پنهان سازد بلکه رهبری امام (ع)، رهبری سری از قبیل صوفیان و فاطمیان نبود که میانشان فاصله ایجاد کند و بین رهبری و پایگاه مردمی او جدائی افکند. [صفحه ۲۵۰] امام اهل بیت (ع)، دعوت خود را تا حدی آشکار انجام می‌داد، و پایگاه‌های مردمی طرفدار و مؤمن به رهبری و امامتش به طور مستقیم در مسائل دینی و قضایای اجتماعی و اخلاقی با شخص امام تماس و هماهنگی حاصل می‌کردند. وقتی مأمون، امام (ع) را به بغداد یا مرکز خلافت آورد، امام (ع) پای فشرده تا به مدینه باز گردد. مأمون با این درخواست موافقت کرد و آن حضرت بیشتر عمر شریف را در مدینه گذراند. امام جواد (ع) در صحنه‌ی اجتماعی با نشاط و فعالیت، حرکت می‌کرد و نزد همه‌ی مسلمانان شناخته شده بود. منجمه نزد شیعیان که به رهبری و امامت او (ع) ایمان داشتند. «این مسأله که معتصم از فعالیت‌ها و کوشش‌های او برآشفته و در رنج بود حقیقت داشت و از این روی وی را به بغداد خواست و هنگامی که ابوجعفر (ع) وارد عراق گردید، معتصم و جعفر پسر مأمون، پیوسته توطئه می‌چیدند و برای قتل آن بزرگوار حيله می‌اندیشیدند». مفید گوید: «دو شب به ماه محرم سال ۲۲۰ مانده وارد بغداد شد و در ذی‌عقده‌ی همان سال در آن جا وفات کرد». در روضه‌ الواعظین آمده است که «در بغداد با زهر به قتل رسید» [۶]. بر اساس این مسلمیات، فرضیه‌ای که می‌گوید: رهبری امام جواد (ع) در برابر مسلمانان عموماً، و در برابر شیعیان خصوصاً، رهبری آشکار نبوده است، باطل است. این سخن خلاف طبیعت علاقه و همبستگی بین اهل بیت و پایگاه‌های مردمی آنان است. به خصوص که مأمون نورافکن‌ها را متوجه امامت و علم حضرت امام جواد (ع) کرد و او را در معرض آزمایش قرار داد [صفحه ۲۵۱] تا در محظور قرار گیرد و مردم را از پیرامون او بپراکند. دانشمندان بزرگ را دعوت کرد و بین آنان و امام (ع) در برابر عباسیان، مجالسی منعقد نمود. اما برتری علمی و فکری امام (ع) با کمی سن و سال آشکار گردید. مأمون از «یحیی بن اکثم» که در آن روزگار از بزرگان و متفکران بود خواست که برای پرسش از امام، مسأله‌ای طرح کند تا امام را ناتوان سازد و از پاسخ گفتن به آن درماند. یحیی بن اکثم از امام پرسید: «فدایت کردم آیا رخصت می‌دهی سؤال کنم؟» ابوجعفر گفت: «آن چه می‌خواهی پرس» یحیی گفت: درباره کسی که در احرام باشد و شکاری را بکشد چه نظر داری؟ امام (ع) فرمود: آیا وقتی صید را کشت در «حل» بود یا «حرم» و آیا آن مجرم به این کار آگاه بود یا جاهل؟ به عمد آن را کشت یا به سهو؟ آزاد بود یا بنده؟ صغیر بود یا کبیر؟ آغاز کننده به قتل بود یا در مقام دفاع بود؟ آن شکار آیا از پرندگان بود یا نه؟ از شکارهای کوچک بود یا بزرگ؟ در آن چه کرد پافشاری داشت و یا پشیمان شده بود؟ قتل در شب روی داد یا در روز؟ آیا برای عمره محرم شده بود یا برای حج؟ یحیی بن اکثم شگفت زده بر جای ماند و در چهره‌اش ناتوانی دیده می‌شد چندان که اهل مجلس همه بدان پی بردند. [۷]. در این مورد، فرضیه‌ها و اقوال دیگر وجود دارد و ما آنها را متوالیا مورد بحث قرار می‌دهیم: فرضیه نخست که می‌گوید: سطح علمی و فکری طایفه شیعه در آن هنگام در پایه‌ای بود که امکان داشت از این موضوع غفلت کنند یا به بیان دیگر سطح [صفحه ۲۵۲] فکری و عقلی و روانی شیعه چندان بود که آنان را به این معنی کشانید که امامت کودکی را تصدیق کنند و به آن ایمان آورند... حال آن که او حقا امام نبود. این فرضیه قابل قبول نیست و واقعیات تاریخی آن را تکذیب می‌کند. زیرا سطح علمی و فقهی این طایفه در حدی بود که از طرف همه‌ی مکاتب و حوزه‌های فکری رقیب، مورد تحسین و بزرگداشت و تقدیر بودند. مکتب فکری عظیمی که حاصل کوشش امامان باقر و صادق (ع) بود،

بزرگترین حوزه‌ی فکری و علمی اسلام بود که در آن روزگار جهان اسلام به خود دیده بود و آن جا دو نسل پیاپی از شاگردان حضرت امام صادق (ع) و حضرت امام کاظم (ع) فعالیت داشتند و آن دو در میدان فقه و تفسیر و کلام و حدیث، و در همه جوانب و ارکان معرفت اسلامی در رأس طایفه شیعه قرار داشتند. در پرتو این حقیقت، هرگز نمی‌توان فرض کرد که سطح فکری و علمی این طایفه به پایه‌ای باشد که از چنین موضوع مهم و بزرگی غفلت کرده باشند. چگونه افراد یک طایفه که در میانشان چنین مکتبی وجود داشت و قطب پیشرفت فکر اسلامی به شمار می‌رفت از این موضوع غفلت کرده‌اند و به وهم یا از سر غفلت، امامت را در کودکی مجسم دیده‌اند که از روی واقع و حق، امام نبوده است. بخصوص چنان که گفتیم، امامت حضرت امام جواد (ع) بر رهبری او بر پایگاه‌های مردمی و رهبری آشکار بر همه‌ی مسلمانان استوار بود و هر فرد عامی می‌توانست با آن برخورد کند و صدق آن را بیازماید. بخصوص طایفه شیعه که در جهان اسلام، بزرگترین مدرسه فکری و عظیم‌ترین آن به طور کلی در میان آنان تحقق یافته بود و حوزه‌ی علمی آن تا کوفه و مدینه نیز امتداد داشت. مدارس مزبور و مراکز فکری، با امام (ع) رابطه داشتند و از او فتوی می‌خواستند و مسایل خود را می‌پرسیدند و حقوق و اموال را از هر سوی نزد او می‌فرستادند. پس چگونه امکان داشت که با آن عقل و شعور شکوفا، یا با [صفحه ۲۵۳] بودن مدرسه‌ای مانند آن حوزه‌ی بزرگ، از حقیقت کودکی که امام نبود، غافل بمانند؟ فرضیه دوم: گروه شیعه در طول تاریخ خود تصویری صحیح و واضح از مفهوم معنای امامت و امام نداشت. بلکه چنین می‌پنداشت که امام فقط رقمی در تسلسل نسبی و وراثتی است. بنابراین امامت و شرایط لازمه را برای امامت نمی‌دانست چیست. می‌گوئیم این فرضیه نیز مردود است. چه، اساسا تشیع و امامت بر پایه‌ی مفهوم عمیق الهی استوار است و آن بدیهی‌ترین و روشن‌ترین مفهوم تشیع است. امام از نظر مفهوم عام شیعی، آن انسان بی‌همتا در علم و معرفت و گفتار و کردار و اخلاق است. این مفهوم در دستاوردها و ابعادش، نزد شیعیان آشکار است. هزاران نص، از روزگار امام علی (ع) تا عهد امام رضا (ع) پیامی است که این مفهوم را معلوم کرده تا آن جا که همه‌ی تفصیلات و توضیحات و خصوصیات تشیع در ذهن شیعیان، بسیار واضح و آشکارا نقش بسته است. روایتی در این مضمون می‌گوید: «پس از وفات امام رضا (ع) وارد مدینه شدیم و پرسیدیم، بعد از امام رضا (ع)، خلیفه کیست؟ گفتند خلیفه در روستائی نزدیک مدینه است. به سوی آن روستا به راه افتادم تا به آن جا رسیدم. خانه‌ی امام موسی بن جعفر (ع) در آن جا که به ارث به امام جواد (ع) رسیده بود، مملو از مردم بود. یکی از برادران امام رضا (ع) را دیدم که بر بالای مجلس نشسته بود و شنیدم که مردم او را - ای برادر رضا (ع) - خطاب می‌کردند. یعنی او پسر امام نیست زیرا از امامان (ع) شنیده بودند که امامت پس از حسن و حسین (ع) در دو برادر جمع نمی‌شود [۸]. از این حدیث چنین نتیجه می‌گیریم که نزد شیعیان، همه‌ی تفصیل‌ها و خصوصیات [صفحه ۲۵۴] تشیع و مفاهیم آن، واضح و روشن بود. این مسأله ادعای صاحبان این فرضیه را تکذیب می‌کند. فرض سوم و آخر: این معنی، فداکاری و پافشاری در غرور و باطل از طرف شیعه و دوستداران آن بوده است. می‌گوئیم این دعوی هم باطل است. نه فقط از نظر ایمان ما به تقوای شیعیان و قداست آنان، که واقعیت اخلاص این طایفه تردید ناپذیر است. همانا که از خلال این شرایط موضوعی که طایفه ستمکش شیعه را احاطه کرده است، یک روز هم در سراسر ایامشان و در طول زندگی، راه به بزرگی و قدرت و ثروت نداشته‌اند. بلکه شیعیان در سراسر تاریخ، گرفتار شکنجه و عذاب و محرومیت و زندان و ویرانی بوده‌اند. بلکه تشیع راهی بوده است که انسان در هر گام آن با بیم و مراقبت دائمی روبرو بوده است. امام باقر (ع) در باب این محنت‌ها و بلاها که بر شیعه نازل می‌شد فرمود: شیعیان ما در همه‌ی شهرها کشته می‌شوند و با تهمت، دست و پایشان را قطع می‌کنند و هر کس از محبت ما یاد کند یا به سوی ما آید، به زندان افکنده می‌شود و اموالش را به یغما می‌برند و خانه‌اش را درهم می‌کوبند.» فداکاری و از خود گذشتگی و پافشاری بر باطل هرگز انگیزه یا راه طمع مادی و دنیوی نبوده است. چرا پس از این همه از خود گذشتگی و فداکاری و پافشاری از طرف علی، طایفه شیعه یعنی مردمی دانا و روشنفکر برای امامتی باطل و دروغین و با توجه به این که این از خود گذشتگی، انواع و اقسام ناراحتی و محرومیت و عذاب و صدمه را برای آنان دربر دارد، در پی موهوم

روند؟ لذا نمی‌توان از خود گذشته‌گی شیعه را در مورد امامت، جز اعتقاد حقیقی به امامت و آگاهی عمیق از شرایط تحقق امامت چیزی دیگر دانست. اینجاست که باید گفت: هیچ یک از این فرضیه‌ها را نمی‌توان پذیرفت و [صفحه ۲۵۵] کسی که به حقیقت تاریخ این طایفه و شرایط و اوضاع موضوعی آن آگاه باشد، بخصوص به شرایط و اوضاعی که پیرامون امام جواد (ع) بود، هرگز این پندارها را نمی‌پذیرد. پس از عرضه داشتن این فرضیات و مردود شناختن آن، فقط یک فرض باقی ماند که با واقعیت تطبیق می‌کند و آن این است که امام جواد (ع)، حقا امام است. [۹].

پاورقی

- [۱] بحارالانوار مجلسی ج ۵۰ ص ۱۰.
- [۲] دائرة المعارف اسلامی شیعه ج ۲ ص ۹۲.
- [۳] دائرة المعارف ج ۲ ص ۹۲.
- [۴] مآخذ سابق.
- [۵] مهدوی و مهدویت ص ۶۲ - ۶۱.
- [۶] دائرة المعارف ص ۹۲.
- [۷] تذکره الخواص ص ۳۷۲ - ۳۶۸ و تحف العقول از آل رسول نوشته‌ی ابن صغبه ص ۳۳۵.
- [۸] بحارالانوار ج ۵۰ ص ۹۰.
- [۹] شرح نهج البلاغه جزء ۳ ص ۱۵ از ابن ابی‌الحدید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند
 بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

